



Financial Accounting Research

Financial Accounting Research
E-ISSN: 2322-3405
Vol. 13, Issue 4, No.50, Winter 2022, P:41-66
Received: 09.07.2022 Accepted: 09.10.2022

Research Article

The Effect of Tax Planning Strategies Diversification on Explaining the Relationship between Tax Avoidance and Tax Risk

Abdolmajid Ghoatmand Jazi: Ph.D. Student, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
majidghovatmand@gmail.com

Mohammad Arabmazar Yazdi*: Associate Prof., Faculty of Management and accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
marabmazar@sbu.ac.ir

Mohammad Hossein Safarzadeh Bandari: Assistant Prof., Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
hosein470@gmail.com

Abstract

Prior empirical research, unlike the researchers' expectation about the relationship between tax avoidance and tax risk, has generally failed to find a relationship between measures of tax risk and measures of tax avoidance and the results have been different and sometimes contradictory. Accordingly, the main purpose of the present study is to investigate the effects of diversification of tax strategies used by a public company on the relationship between measures of tax avoidance and measures of risk. To define the construct of diversification of tax strategies, two diversification measures are based on broad categories of sources of tax benefits. Then, the relationship between the diversification of tax planning strategies and tax risk and the effect of diversification on the relationship between tax avoidance and tax risk is examined by relevant regressions. In empirical tests, the annual data of 160 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2008 to 2015 were analyzed. The findings of the study showed using tax risk measures based on the variance of ETRs and tax risk measures based on the spike of a tax rate, more resources of tax avoidance result in less tax risk at a 90% confidence level. Also, using the overall firm risk measure, there is a positive relationship between tax risk and increasing resources of tax avoidance. The results of the study showed that despite the negative effect of diversification of tax planning strategies on tax risk, this variable increases the overall company risk. This might arise from increasing earnings management opportunities and failing financial reporting because of the effect of a multiplicity of tax strategies on the complexity of tax applications and financial reporting and increasing management abuse risk.

Keywords: Tax Planning, Tax Strategies, Tax Avoidance, Tax Risk.

* Corresponding author

2322-3405 / © 2022 The Authors. Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



10.22108/FAR.2022.134297.1902



20.1001.1.20087691.1400.13.4.3.8



نقش متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در تبیین رابطه اجتناب مالیاتی با ریسک مالیاتی

عبدالمجید قوت‌مند جزئی: دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

majidghovatmand@gmail.com

محمد عرب مازار یزدی: دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

marabmazar@sbu.ac.ir

محمدحسین صفرزاده بندری: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

hosein470@gmail.com

چکیده

پژوهش‌های تجربی قبلی برخلاف انتظار پژوهشگران در خصوص وجود رابطه میان اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی عموماً در یافتن رابطه بین معیارهای اجتناب مالیاتی و معیارهای ریسک مالیاتی ناتوان بوده و نتایج متفاوت و بعضاً متناقضی به دست آورده‌اند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در تبیین رابطه بین معیارهای اجتناب مالیاتی و معیارهای ریسک است. به‌منظور تعریف عملیاتی سازه «متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی»، دو شاخص متنوع‌سازی تعریف می‌شود که روی طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی پایه‌گذاری شده است. سپس، رابطه بین متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و ریسک مالیاتی و اثر متنوع‌سازی روی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی از طریق رگرسیون‌های مربوطه بررسی می‌شود. به‌منظور انجام آزمون‌های تجربی، داده‌های سالانه ۱۶۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ بررسی می‌شوند. نتایج نشان می‌دهند با استفاده از معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر انحراف استاندارد نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی و معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر شکست نرخ مالیات، افزایش منابع اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد به کاهش ریسک مالیاتی منجر می‌شود. همچنین، با استفاده از معیار ریسک کلی شرکت، ضریب متغیرهای متنوع‌سازی مثبت و معنادار بوده که نشان‌دهنده افزایش ریسک شرکت با افزایش منابع اجتناب از مالیات است. این نتایج نشان می‌دهند علی‌رغم تأثیر منفی متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی روی ریسک مالیاتی، این متغیر باعث افزایش ریسک کلی شرکت می‌شود. این موضوع می‌تواند ناشی از افزایش فرصت‌های مدیریت سود و شکست گزارشگری مالی به دلیل تأثیر تعدد استراتژی‌های مالیاتی بر پیچیدگی کارکردهای مالیاتی و گزارشگری مالی و افزایش ریسک سوءاستفاده مدیریت باشد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی مالیاتی، استراتژی‌های مالیاتی، اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی

مقدمه

بسیاری از پژوهش‌های اخیر در حوزه حسابداری مالیاتی به بررسی دلایل تغییرات اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند تأثیر متغیرهای مختلف بر سطح اجتناب مالیاتی را بررسی کنند. همچنین، مدیران شرکت‌ها به‌طور مرتب به برنامه‌ها و ریسک‌های مربوط به مالیات، همزمان با سایر ریسک‌ها توجه و بازنگری می‌کنند و به شناسایی و مدیریت آن‌ها می‌پردازند؛ درحالی که مدیران به ریسک مالیاتی در سطح جهان به‌طور فزاینده‌ای توجه داشته‌اند، در ایران نیز با توجه به سیاست‌گذاری کلی نظام در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تأمین هزینه‌های دولت از محل درآمدهای مالیاتی و همچنین رویکرد رسیدگی مبتنی بر ریسک سازمان امور مالیاتی در چهارچوب استقرار نظام جامع مالیاتی، به تبیین تغییرات اجتناب مالیاتی و عوامل تعیین‌کننده ریسک مالیاتی شرکت‌ها پیش از پیش توجه شده است.

مروری بر ادبیات موضوعی ریسک مالیاتی نشان می‌دهد بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی یکی از نواحی پر ابهام در این حوزه است. به‌طور کلی، میان پژوهشگران درخصوص اجزای تشکیل‌دهنده ریسک مالیاتی اتفاق نظر کمی وجود دارد که این موضوع باعث نبود درک مناسب از محرک‌های اصلی چنین ریسکی شده است [۵۴]. بعضی پژوهشگران در راستای مفهوم هزینه‌های نمایندگی برنامه‌ریزی مالیاتی متذکر شدند که مدیران باید میان پذیرش ریسک ناشی از برنامه‌ریزی مالیاتی و هزینه‌های نمایندگی تعادل برقرار کنند [۵-۲۱]. به نظر منطقی می‌رسد شرکت‌هایی که نرخ‌های مؤثر مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های همسان خود ابراز می‌کنند تمایل به پذیرش ریسک بیشتری داشته باشند. به عبارت

دیگر، شرکت‌هایی که از استراتژی‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌کنند، باید نرخ‌های مؤثر مالیاتی کمتری داشته باشند. از آنجایی که شرکت‌ها برای افزایش میزان اجتناب مالیاتی خود به بیش از سطح پایه و اولیه باید از استراتژی‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده کنند، انتظار می‌رود رابطه معناداری بین میزان اجتناب مالیاتی آنها و ریسکی که متحمل می‌شوند، وجود داشته باشد. در غیر این صورت، درک اینکه چرا همه شرکت‌ها نرخ‌های مالیاتی پایین مشابهی ابراز نمی‌کنند، مشکل خواهد بود؛ دست‌کم انتظار می‌رود شرکت‌ها در صنایع مشابه که فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مشابهی دارند، نرخ‌های مؤثر مالیاتی مشابه ابراز کنند. چندین مطالعه با توجه به تئوری نمایندگی پیشنهاد می‌دهند تغییرات در سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به‌وسیله ریسک‌گریزی مدیریت هدایت می‌شود [۱۹-۳۶-۵۱]. با وجود این، روشن نیست آیا سطوح بالای اجتناب مالیاتی نشان‌دهنده سطوح بالای ریسک است و در این صورت تا چه حد چنین ارتباطی برقرار است.

باوجود اینکه بعضی پژوهش‌ها [۲-۱۳-۳۵] توانستند شواهد تجربی درخصوص وجود رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی ارائه دهند، در سال‌های اخیر نتایج چندین مطالعه مهم با این فرض که نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین می‌توانند شاخصی برای برنامه‌ریزی مالیاتی پرریسک باشند، در تناقض بوده‌اند [۴۳-۳۸-۳۷-۲۷]. وایلد و ویلسون [۵۴] ضمن تأکید بر لزوم انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه از ادبیات موضوعی بیان می‌دارند این نتایج متناقض باعث طرح سؤالاتی بین پژوهشگران این حوزه شده است: اینکه چه موضوعات یا محدودیت‌های نمایندگی دیگری واریانس نرخ‌های مؤثر مالیاتی را توضیح می‌دهند؟

مالیاتی و اجتناب مالیاتی، مطرح و پس از طرح فرضیه‌ها و پیشینه تجربی، روش‌شناسی پژوهش معرفی می‌شود. در پایان، پس از ارائه یافته‌های آزمون‌های تجربی مربوطه، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری

«برنامه‌ریزی مالیاتی» عبارت است از تلاش‌های سنجیده و هدفمندی که برای کاهش بار مالیاتی شرکت انجام می‌شود. بر این اساس، برنامه‌ریزی مالیاتی به‌عنوان سرمایه‌گذاری روی اجتناب مالیاتی در نظر گرفته می‌شود، درجایی که اجتناب مالیاتی خود پیامد آن سرمایه‌گذاری است [۵۴]. برنامه‌ریزی مالیاتی هزینه‌هایی مثل ایجاد یک واحد مالیاتی داخلی، پرداخت برای دریافت خدمات مالیاتی از خارج سازمان، هزینه‌های حسابداری و قانونی برای اجرای استراتژی‌های خاص مالیاتی و ... در بر دارد که این هزینه‌ها چندان قابل ملاحظه نیستند. وایلد و ویلسون [۵۴] با استفاده از بعضی مدل‌های اقتصادی که تصمیمات را در قالب پیامدهای هزینه‌ها و مزایای مورد انتظار شکل می‌دهند [۱۶-۱۲]، چهارچوب روشنی ارائه کردند که بر این اساس هنگامی که شرکتی درگیر برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود، مدیران شرکت به نوعی روی اجتناب مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بازده این سرمایه‌گذاری، صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی‌شده یا مورد انتظار است. با وجود این، این احتمال وجود دارد که مقدار اولیه صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی‌شده محقق نشود. براساس تئوری پرتفوی، در صورتی که که بازده هر یک از دارایی‌های موجود در پرتفوی به‌طور کامل همبسته نباشند، متنوع‌سازی یک پرتفوی می‌تواند واریانس کلی پرتفوی را کاهش دهد [۴۷-۴۶].

آیا ریسک‌های مالیاتی مهمی وجود دارند که به شاخص‌های عدم قطعیت مالیاتی یا تغییرپذیری نرخ‌های مالیاتی مرتبط نباشند؟ آیا متغیر دیگری وجود دارد که نوسانات نتایج مالیاتی شرکت را در حضور مدیر ریسک‌گریز و مالک ریسک‌خشی توضیح دهد و در ادبیات موضوعی شایان توجه قرار نگرفته باشد؟

در این پژوهش بیان می‌شود یک دلیل احتمالی برای این یافته‌های متناقض ممکن است در نظر نگرفتن نقش متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی باشد که می‌تواند ریسک مالیاتی را برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی کاهش دهد؛ در حالی که هدف از این مطالعه بررسی تأثیر متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی روی ریسک مالیاتی است، به لحاظ تجربی اینکه مدیران کدام استراتژی‌های مالیاتی خاص را در برنامه‌ریزی مالیاتی خود به کار می‌گیرند، مشاهده‌شدنی نیست. با وجود این، می‌توان به مشاهده نتایج استراتژی‌های مالیاتی در قالب مبلغ مالیات اجتناب‌شده پرداخت. به‌علاوه، این مزایای مالیاتی از منابع متفاوتی حاصل می‌شوند. اگرچه این امکان وجود دارد که تعداد زیادی از استراتژی‌های مالیاتی درون یک طبقه گسترده منابع مزایای مالیاتی اعمال شوند، هرچه یک شرکت از طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی بیشتری استفاده کرده باشد، آن شرکت استراتژی‌های مالیاتی متنوع‌تری خواهد داشت. نتایج این پژوهش می‌تواند با اضافه کردن یک بعد جدید به رابطه اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی به روشن‌تر شدن این حوزه از ادبیات موضوعی و تبیین تغییرات اجتناب مالیاتی و عوامل تعیین‌کننده ریسک مالیاتی شرکت‌ها کمک کند.

در ادامه، مبانی نظری نقش متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی روی رابطه ریسک

هر استراتژی مالیاتی دارای توزیع نتایج مالیاتی احتمالی خود است و اتفاق افتادن هر نتیجه خاص، یک احتمال مشخص دارد. اگر توزیع نتایج مالیاتی احتمالی مذکور، واریانس بالایی داشته باشد، مقدار بازده مورد انتظاری (صرفه جویی مالیاتی مورد انتظار) که شرکت ممکن است از دست بدهد، بزرگ‌تر خواهد بود. این موضوع بیان‌کننده ریسک مالیاتی بالاتر است؛ زیرا شرکت ممکن است به نتیجه‌ای بسیار کمتر از آنچه انتظار داشته برسد.

در شرایطی که هزینه مالیاتی بالقوه (تعهد مالیاتی) وابسته به نتیجه رویدادهای آتی غیرقطعی (مثل موفقیت شرکت در اجرای استراتژی‌های اجتناب مالیاتی، نتیجه حسابرسی مالیاتی و...) است، اجتناب مالیاتی را می‌توان به‌مثابه ایجاد یک تعهد مشروط (احتمالی) در نظر گرفت. با وجود اینکه هزینه مالیاتی بالقوه را می‌توان تخمین زد، مقدار نهایی و به تبع آن مقدار اجتناب مالیاتی به رویدادهای آتی غیرقطعی وابسته است.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان در ارتباط با میزان اجتناب مالیاتی ناشی از استراتژی‌های مالیاتی نیز همین تفسیر را به کار برد. افزایش تعداد نتایج بالقوه می‌تواند واریانس نتایج مالیاتی را کاهش دهد و در نتیجه، ریسک مالیاتی کاهش یابد. در مجموع، افزایش تعداد استراتژی‌های مالیاتی می‌تواند واریانس پرتفوی برنامه‌ریزی مالیاتی را با ثابت نگه داشتن میانگین (امید ریاضی) صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار کاهش دهد؛ بنابراین، ریسک مالیاتی با نزدیک شدن توزیع نتایج احتمالی به صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار کاهش می‌یابد.

فرضیه‌ها

مارکویتز [۴۷-۴۶] متنوع‌سازی را در قالب تئوری پرتفوی معرفی می‌کند؛ در جایی که سرمایه‌گذاران سعی دارند برای میزان مشخصی از

به چندین دلیل این امکان وجود دارد که صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی شده محقق نشود:

۱. اگر شرکت حسابرسی شود و مقام‌های مالیاتی بتوانند هر یک از استراتژی‌های مالیاتی شرکت را به هر دلیل به چالش بکشند، ممکن است بخشی از این صرفه‌جویی به علاوه جرائم و بهره مربوطه کاهش یابد [۳].

۲. قانون مالیات‌ها قبل از کامل شدن یک استراتژی مالیاتی به صورتی تغییر کند که بخشی از صرفه‌جویی مالیاتی در سال‌های آینده کاهش یابد.

۳. صرفه‌جویی مالیاتی ممکن است به دلیل ناکامی در اجرای استراتژی مالیاتی هرگز محقق نشود؛ برای مثال، زمانی که بین واحدهای مختلف سازمان هماهنگی لازم برای اجرای برنامه‌ریزی مالیاتی وجود نداشته باشد.

۴. سرانجام اینکه صرفه‌جویی مالیاتی ممکن است به دلیل هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای همچون هزینه‌های سیاسی و اعتباری از بین برود [۴۹-۱۴-۳۰].

احتمال اتفاق افتادن هر یک از این موارد برای هر نوع استراتژی خاص مالیاتی متفاوت است؛ بنابراین، وقتی شرکتی یک استراتژی مالیاتی مشخص را اجرا می‌کند، انتظار دارد یک صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی شده اولیه از آن کسب کند که پس از در نظر گرفتن احتمال کاهش این مقدار صرفه‌جویی اولیه، یک صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار (امید ریاضی صرفه‌جویی مالیاتی) برای این استراتژی مالیاتی مشخص وجود خواهد داشت. این پراکندگی یا احتمال تغییر مقادیر صرفه‌جویی مالیاتی نهایی در مقایسه با صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار اولیه معرف ریسک مالیاتی در این مطالعه است.

پرتفویی با تنوع استراتژی‌های کمتر دارد، پراکندگی کمتری خواهد داشت.

با توجه آنچه گفته شد و با مقایسه دو شرکت با نرخ مؤثر مالیات نقدی ۲۰ درصد (اجتناب مالیاتی یکسان)، شرکت متنوع‌تر ریسک کمتری خواهد داشت. به لحاظ آماری، در یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی، متغیر متنوع‌سازی میزان متغیر وابسته را کاهش و بخشی از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. به عبارتی، متنوع‌سازی در شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی ۳۰ درصد (اجتناب مالیاتی کمتر) در مقایسه با زمانی که این شرکت نرخ مؤثر مالیاتی نقدی ۲۰ درصد (اجتناب مالیاتی بالاتر) دارد، تأثیر منفی بیشتری روی ریسک مالیاتی خواهد داشت؛ بنابراین، برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی، متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی می‌تواند اثر اجتناب مالیاتی روی ریسک مالیاتی را کاهش دهد.

با توجه به آنچه گفته شد فرضیه‌های پژوهش به شکل زیر تعیین می‌شوند:

H1(a) - برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی، متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، ریسک مالیاتی را کاهش می‌دهد.

H1(b) - برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی، متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، اثر اجتناب مالیاتی روی ریسک مالیاتی را کاهش می‌دهد.

با وجود این، چندین دلیل بالقوه مطرح می‌شود که چرا متنوع‌سازی می‌تواند واریانس نتایج احتمالی و در نتیجه، ریسک مالیاتی را افزایش دهد:

۱. اضافه کردن استراتژی‌های مالیاتی خاص ممکن است احتمال شکست یک استراتژی مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. در این حالت ممکن است با افزایش متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی،

بازده مورد انتظار، ریسک پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های خود را حداقل و در نتیجه یک پرتفوی مؤثر ایجاد کنند. ریسک نه‌تنها وابسته به واریانس نتایج هر دارایی مشخص در پرتفوی است، در عین حال به همبستگی یا کوواریانس بین نتایج هر دو دارایی خاص بستگی دارد؛ بنابراین، ریسک کلی پرتفوی با متنوع‌سازی پرتفوی به وسیله دارایی‌های با ریسک غیرمرتبط کاهش می‌یابد. با به‌کارگیری چنین موقعیتی درباره اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، برنامه‌ریزی مالیاتی به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری در اجتناب مالیاتی در نظر گرفته می‌شود. هدف اصلی، کاهش مالیات به‌عنوان یک خروجی وجه نقد است که از طریق استراتژی‌های مالیاتی خاص انجام می‌پذیرد؛ در حالی که هر استراتژی یک مقدار اولیه صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی شده دارد، نتیجه نهایی می‌تواند متفاوت از مقدار برنامه‌ریزی شده باشد. با در نظر گرفتن احتمال هر یک از نتایج، هر استراتژی مالیاتی یک مقدار مورد انتظار صرفه‌جویی مالیاتی و یک توزیع نتایج ممکن خواهد داشت. پراکندگی یا واریانس این نتایج، بیان‌کننده ریسک مالیاتی است. اگر شرکتی پرتفوی برنامه‌ریزی مالیاتی خود را با استفاده از استراتژی‌های مالیاتی مختلف که نتایج‌شان به‌طور کامل همبسته نیستند، متنوع سازد، آنگاه واریانس نتایج کلی پرتفوی کاهش می‌یابد.

بنابراین، صرف‌نظر از ریسکی که باید برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی متحمل شد، متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی می‌تواند ریسک را از طریق کاهش واریانس نتایج مالیاتی کاهش دهد. برای هر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی مشخص، نتایج مالیاتی برای شرکتی که پرتفویی با استراتژی‌های مالیاتی متنوع‌تر دارد، در مقایسه با شرکتی که

استراتژی مالیاتی در صورتی که آن استراتژی به ایجاد مشکلی در گزارشگری مالی (مثل صورت‌های مالی) منجر شود یا نتواند یک مزیت گزارشگری مالی به شکل یک هزینه مالیاتی کمتر فراهم کند، کاهش یابد.

پیشینه تجربی

پژوهشگران طی سال‌های گذشته، درباره تغییرات اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مطالعه کرده‌اند. سؤال بسیاری از این تحقیقات آن است که چرا بعضی شرکت‌ها قادرند نرخ‌های مؤثر مالیاتی (*ETRS*) کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها داشته باشند. این مطالعات نشان می‌دهند این تغییرات تا حدودی به وسیله ویژگی‌هایی مثل اندازه [۵۵]، ساختار مالکیت [۲۲-۱]، راهبری شرکتی [۲۶-۱۱]، مسئولیت‌پذیری اجتماعی [۱۰]، اطمینان بیش از حد مدیریتی [۹]، کیفیت اطلاعات داخلی و افشا [۴] و موقعیت شرکت‌های تابعه [۲۸] توضیح پذیرند. سایر محققان معتقدند انواع خاصی از اجتناب مالیاتی دارای ریسک بیشتر و جسورانه‌ترند. طایفه و همکاران [۸] با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی پرداختند.

لیسوسکی و همکاران [۴۵] اجتناب مالیاتی را پیوستاری تعریف کرده‌اند که در یک سوی آن استراتژی‌های اجتناب مالیاتی کاملاً قانونی و در سوی دیگر جسورانه‌ترین موقعیت‌های مالیاتی مثل فرار مالیاتی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، هرچه اجتناب مالیاتی بیشتر باشد، نشان‌دهنده آن است که یک شرکت مایل به پذیرش ریسک بیشتر است. براساس تئوری نمایندگی و این گزاره که مدیران اساساً ریسک‌گریزند، چندین مطالعه پیشنهاد می‌دهند تغییرات در سطح اجتناب مالیاتی به وسیله

توجه مقام‌های مالیاتی جلب شود و افشای بیشتری لازم باشد. این می‌تواند احتمال شکست هر یک از استراتژی‌ها و به تبع آن ریسک مالیاتی را افزایش دهد.

۲. به‌کارگیری استراتژی‌های بیشتر می‌تواند پیچیدگی عملیات شرکت را افزایش دهد و به افزایش ریسک اشتباه‌های حسابداری منجر شود که این امر احتمالاً شکست در تحقق صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این به‌نوبه خود ریسک مالیاتی را به دلیل افزایش واریانس نتایج، تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، متنوع‌سازی، نتایج بالقوه جدیدی ایجاد می‌کند که بدون افزایش متنوع‌سازی وجود نمی‌داشت.

۳. تعداد فزاینده استراتژی‌های مالیاتی و پیچیدگی کارکردهای مالیاتی می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای مدیریت سود توسط مدیران فراهم کند و ریسک سوءاستفاده مدیریت را افزایش دهد [۲۵]. این موضوع باعث از دست رفتن صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار می‌شود که ریسک مالیاتی را افزایش می‌دهد.

۴. متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی در صورت همبستگی بالای نتایج بالقوه استراتژی‌های مالیاتی ممکن است به کاهش ریسک مالیاتی منجر نشود. در این مورد حتی اگر شرکت استراتژی‌های بیشتری به پرتفوی برنامه‌ریزی مالیاتی خود اضافه کند، متنوع‌سازی هیچ‌گونه منفی برای شرکت نخواهد داشت.

۵. درنهایت، بعضی تحقیقات بر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالی جسورانه و رفتار مالیاتی تأکید دارند [۵۳-۴۴-۳۴]. موازنه بین گزارشگری مالی و انگیزه‌های مالیاتی [۲۹-۱۸] باعث می‌شود مزیت مورد انتظار از یک

تعریف می‌کنند. دریک و همکاران [۳۳] بر تعریف تأمین مالی کلاسیک تمرکز می‌کنند و ریسک مالیاتی را پراکندگی خروجی‌های بالقوه ناشی از اجتناب مالیاتی تعریف می‌کنند. اعتمادی و ساری [۲] با الگوسازی مفهومی و مدل‌سازی آماری اندازه‌گیری ریسک مالیاتی براساس مؤلفه عدم اطمینان، به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی در شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهند رابطه منفی معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی و بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی وجود دارد. دارابی و همکاران [۶] بیان می‌دارند ریسک مالیاتی می‌تواند به‌طور خاص از اجتناب مالیاتی نشئت بگیرد. آنها بیان می‌دارند ریسک مالیاتی می‌تواند از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالی شرکت به وجود آید که مستقل از کل ریسک عملیاتی است. اجتناب مالیاتی می‌تواند ریسک‌ها را به سمت بدهکاران سوق دهد و موجب کاهش توانایی آنها در پرداخت بدهی‌هایشان شود.

چندین مطالعه این فرض را زیر سؤال برده‌اند که نرخ‌های مؤثر مالیاتی کمتر شاخصی برای برنامه‌ریزی مالیاتی ریسکی‌اند. دیرنگ و همکاران [۲۷] که نخستین مطالعه نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی را انجام دادند، دریافتند نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی پایین، ماندگاری بیشتری از نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی بالا دارند. این یافته‌ها با این فرض که نرخ‌های اجتناب مالیاتی پایین می‌توانند ریسک مالیاتی بالا را منعکس کنند تناقض دارد؛ زیرا اگر این چنین باشد، انتظار می‌رود نرخ‌های اجتناب مالیاتی پایین دارای نوسان بیشتر باشند.

گونتر و همکاران [۳۷] این رابطه را به‌صورت مستقیم‌تری بررسی کردند. آنها به بررسی رابطه بین استراتژی‌های مالیاتی و ریسک مالیاتی پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهند کاهش نرخ‌های

ریسک‌گریزی مدیریت هدایت می‌شود [۵۱-۳۶-۱۹].

گونتر و همکاران [۳۷] از نوسان‌های نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی به‌عنوان متغیر ریسک مالیاتی استفاده کردند. بر این اساس، محققان بعدی، ریسک مالیاتی را انحراف استاندارد نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی سالانه تعریف کرده‌اند [۴۰-۳۳-۲۳-۱۵]. در ادبیات موضوعی با توجه به اینکه بعضی ریسک‌ها به اجتناب مالیاتی وابسته‌اند، بر اهمیت مدیریت ریسک مالیاتی تأکید شده [۱۳-۳۶] و اجتناب مالیاتی، فعالیتی پرریسک تلقی شده است. این پژوهش‌ها بیان می‌دارند شرکت‌هایی که پرداخت‌های مالیاتی خود را از طریق وضعیت‌های مالیاتی پرریسک کاهش می‌دهند، ممکن است مجبور به بازپرداخت مالیات صرفه‌جویی شده به همراه جرایم مالیاتی احتمالی شوند.

اگرچه فعالیت‌های کاهش مالیات غالباً ارزش مورد انتظار مثبتی دارند، این احتمال که ممکن است ممیزان مالیاتی، وضعیت مالیاتی شرکت را به چالش بکشند باعث می‌شود تا این وضعیت ذاتاً پر ریسک تلقی شود. چنانچه دیرنگ و همکاران [۳۲] بیان می‌کنند هنوز درباره تعریف دقیقی از ریسک مالیاتی در ادبیات موضوعی توافق نشده است، مفاهیم ریسک، عدم قطعیت و جسورانه‌بودن در ارتباط با مالیات مطرح هستند. محققان قبلی بر عدم قطعیت بازپرداخت صرفه‌جویی مالیاتی آتی [۴۲-۳۲-۲۰] و عدم قطعیت پرداخت‌های مالیاتی آتی [۳۸] تمرکز کرده‌اند.

نیومن و همکاران [۵۰] بر تعاریف گسترده ریسک تمرکز کرده‌اند و ریسک مالیاتی را به‌عنوان وجود عدم قطعیت درخصوص خروجی‌های مالیاتی آتی که به‌وسیله فعالیت‌های جاری ایجاد می‌شوند یا ناکامی در اجرای تصمیمات یا تکمیل فعالیت‌ها

تحقیقات اثبات‌گرایانه قرار می‌گیرد. همچنین، از نظر بعد زمانی این پژوهش طولی-گذشته‌نگر است. اطلاعات و مطالب مربوط به ادبیات نظری و پیشینه تجربی به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و در این زمینه، از پایان‌نامه‌ها و مقالات خارجی و داخلی استفاده شد. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی سالانه حسابرسی‌شده، بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار و گزارش فعالیت هیئت‌مدیره صورت گرفت. گردآوری داده‌ها از طریق نرم‌افزارهای موجود در این زمینه، انجام و برای مرتب‌سازی و محاسبه داده‌های نهایی، از نرم‌افزار اکسل استفاده شد و مقادیر نهایی متغیرهای مورد نیاز پژوهش به دست آمدند. در مرحله بعد برای آزمون‌های آماری، از نرم‌افزار EViews9 استفاده شد.

انتخاب نمونه و اندازه‌گیری متغیرها

جامعه آماری پژوهش عبارت است از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مطالعه‌شده شامل شرکت‌های عضو جامعه آماری هدف است که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱) طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ جزء شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس باشند.
- ۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ۳) طی دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۴) جزء بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هندلینگ و لیزینگ) نباشند؛ زیرا این صنایع ممکن است به دلیل الزام‌های خاص قانونی قابلیت تعمیم

مؤثر مالیاتی نقدی باعث افزایش نوسان نرخ‌های مالیاتی (ریسک مالیاتی شرکت) نمی‌شود. آنها پیشنهاد می‌دهند اجتناب مالیاتی به‌طور متوسط با استفاده از استراتژی‌های پایدار که ریسک مالیاتی را افزایش نمی‌دهند، انجام می‌شود.

گونتر و همکاران [۳۸] به بررسی رابطه عدم قطعیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی نهایی پرداختند. آنها با ارائه سیستمی از معادلات نشان دادند همان‌گونه که درآمد پیش از مالیات افزایش می‌یابد، هر یک دلار مالیات اضافی بالقوه، به‌طور متوسط، به ۳۲٫۸ سنت مالیات اجتناب‌شده منجر می‌شود که آنها از آن به‌عنوان اجتناب مالیاتی نهایی نام می‌برند. نتایج بیان‌کننده آن است که مقدار ۴٫۳ درصد از اجتناب مالیاتی نهایی مربوط به مزایای مالیاتی غیرقطعی است. آنها با تفکیک شرکت‌های درگیر اجتناب مالیاتی بالا دریافتند افزایش اجتناب مالیاتی لزوماً به افزایش عدم قطعیت منجر نمی‌شود.

هاچنز و همکاران [۴۳] به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت با استفاده از مدل‌های مختلط مکنون پرداختند. نتایج بررسی آنها حاکی از وجود یک رابطه مثبت معنادار بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت در بین ۱۹ درصد از نمونه مطالعه‌شده‌شان است. ۴۲ درصد از نمونه مطالعه‌شده یک رابطه منفی بین ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی نشان دادند و ۳۹ درصد رابطه معناداری نشان ندادند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به نتایج آن برای گروه‌های ذینفع از نوع کاربردی به شمار می‌رود و از دیدگاه روش‌های اجرا در حوزه کارهای کمی قرار می‌گیرد. رویکردهای استدلالی این پژوهش از نوع قیاسی‌اند و به لحاظ حوزه پارادایمی، در حوزه

این پژوهش منعکس‌کننده متنوع‌سازی منابع مزایای اجتناب مالیاتی است که به‌نوبه خود، متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی را منعکس می‌کند.

بنابراین، برای تعریف عملیاتی این سازه، یک شاخص متنوع‌سازی تعریف می‌شود که روی طبقات گسترده منابع اجتناب مالیاتی پایه‌گذاری شده است. مک‌گیل و اتسلی [۴۸] بیان می‌دارند طبقات مختلف صورت‌های مالی قادرند استراتژی‌های مالیاتی خاص را منعکس کنند و در این خصوص، شرکت انرون را به‌طور خاص بررسی کردند. در ادبیات موضوعی، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات مورد انتظار، منبع مزایای مالیاتی (اجتناب مالیاتی) شناخته می‌شود. همچنین، سود حسابداری شامل طبقات مختلف درآمدی و هزینه‌ای است که هر یک از این طبقات ممکن است شامل دهها یا صدها موقعیت مالیاتی خاص مشاهده‌ناپذیر باشند. در واقع، منابع مزایای مالیاتی براساس موقعیت‌های خاص مالیاتی که در هر طبقه از صورت سود و زیان اعمال‌شدنی هستند، تقسیم می‌شوند.

هرچه شرکتی طبقات گسترده منابع اجتناب مالیاتی بیشتری داشته باشد، آن شرکت احتمالاً استراتژی‌های مالیاتی متنوع‌تری دارد. باوجود اینکه این شاخص متنوع‌سازی تا حد زیادی می‌تواند این سازه را منعکس کند، باید به این مسئله توجه داشت که شرکت‌ها اغلب باوجود داشتن استراتژی‌های مختلف مالیاتی، بر یکی از منابع اجتناب مالیاتی تمرکز بیشتری دارند.

درنهایت، حتی اگر مشاهده تمامی موقعیت‌های مالیاتی موجود در هر یک از این طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی امکان‌پذیر بود، به احتمال زیاد آنها دارای همبستگی بالا بودند و امکان نداشت متنوع‌سازی اثر آنچنان بزرگی روی ریسک مالیاتی

یافته‌های بررسی نمونه‌ای آنها به سایر شرکت‌ها با تردید همراه باشند. به‌منظور انجام آزمون‌های تجربی و با توجه به لزوم وجود داده‌های ۵ سال آتی برای محاسبه متغیرهای متنوع‌سازی و ریسک مالیاتی، داده‌های سالانه ۱۶۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ آزمون می‌شوند.

متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی

در حالی که هدف از این مطالعه بررسی تأثیر متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی روی ریسک مالیاتی است، اینکه مدیران کدام استراتژی‌های مالیاتی خاص را در برنامه‌ریزی مالیاتی خود به کار می‌گیرند، به لحاظ تجربی مشاهده‌پذیر نیست. با وجود این، می‌توان به مشاهده نتایج استراتژی‌های مالیاتی پرداخت؛ بدین صورت که شرکت در مقایسه با نرخ مالیات قانونی ۲۵ درصدی ایران، چه مقدار از پرداخت مالیات اجتناب کرده است. به‌علاوه مشاهده می‌شود این مزایای اجتناب مالیاتی از منابع مختلفی حاصل می‌شوند؛ برای مثال، این منابع می‌توانند شامل درآمدهای عملیاتی یا درآمدهای غیرعملیاتی یا سایر طبقات درآمد و هزینه‌ای صورت سود و زیان باشند. در این راستا، بعضی مقالات به دنبال نشانه‌هایی در صورت‌های مالی برای تعیین استراتژی‌های مالیاتی شرکت بوده‌اند [۵۳-۴۴-۱۷]. روی هر دسته از طبقات صورت سود و زیان می‌توان تعداد زیادی از استراتژی‌های مالیاتی خاص را به کار برد. اگرچه تعداد زیادی از استراتژی‌های مالیاتی ممکن است درون یک منبع مزایای مالیاتی قابل اعمال باشند، هرچه شرکتی از منابع مزایای مالیاتی متنوع‌تری استفاده کرده باشد، آن شرکت استراتژی‌های مالیاتی متنوع‌تری دارد؛ بنابراین، شاخص متنوع‌سازی در

متوسط و بزرگ از میانگین فروش هر صنعت استفاده می‌شود.

$TaxAvoid_{i,t} = \alpha_0 + \sum income_Categories_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	مدل (۱)
---	---------

طبقات درآمد و هزینه:

- ✓ درآمدهای عملیاتی
- ✓ بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته
- ✓ هزینه‌های عملیاتی
- ✓ سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی
- ✓ هزینه‌های مالی
- ✓ سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی
- ✓ مازاد تجدید ارزیابی دارائی‌های ثابت

همچنین، اجتناب مالیاتی ممکن است به دو روش رخ دهد. نخست، یک شرکت می‌تواند در حالی که سود پیش از مالیات خود را ثابت نگه می‌دارد، پرداخت‌های مالیاتی را کاهش دهد که از آن به‌عنوان «اثر صورت» نام برده می‌شود. دوم، شرکت ممکن است در حالی که پرداخت‌های مالیاتی را ثابت نگه می‌دارد، سود قبل از مالیات را افزایش دهد که از آن به‌عنوان «اثر منجر» نام برده می‌شود. هر دو گروه استراتژی‌ها به پرداخت مالیات کمتر نسبت به سود پیش از مالیات شرکت منجر می‌شوند [۳۹]. گوتتر و همکاران [۳۹] با توجه به ترکیب سه متغیر نرخ مؤثر مالیاتی بر مبنای سود حسابداری پیش از مالیات (*Cash ETR*)، نرخ مؤثر مالیاتی بر مبنای جریان‌های نقدی پیش از مالیات (*CFO ETR*) و مدیریت سود، اقدام به تفکیک شرکت‌هایی کردند که اجتناب مالیاتی آنها شامل یک یا هر دو نوع اجتناب مالیاتی است. آنها متغیر *Cash ETR* را به‌صورت مالیات نقدی پرداختی تقسیم بر سود پیش از مالیات و *CFO ETR* را به‌عنوان مالیات نقدی پرداختی تقسیم بر جریان‌های

داشته باشد. با استفاده از این شاخص متنوع‌سازی که منعکس‌کننده طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی است، احتمال کمتری وجود خواهد داشت که این همبستگی احتمالی مشکل‌ساز شود. برای ایجاد شاخصی برای منعکس کردن طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی، مقدار مالیات اجتناب‌شده برابر ۲۵ درصد کل تفاوت‌های مالیاتی (*BTDs*) در نظر گرفته می‌شود.

دو شاخص متنوع‌سازی برای این مطالعه تعریف می‌شود که اجتناب مالیاتی را براساس دائمی یا موقت بودن و منبع ایجاد اجتناب مالیاتی تفکیک می‌کنند. برای تعریف شاخص اول، ابتدا مالیات اجتناب‌شده، به مالیات‌های اجتناب‌شده دائمی و موقت تفکیک می‌شوند. این کار از طریق به تأخیر انداختن مالیات اجتناب‌شده به سال آتی انجام می‌شود. سپس هر یک از این تفاوت‌های مالیاتی موقت و دائمی طی پنج سال آتی، روی طبقات درآمد و هزینه‌های مختلف شرکت برازش می‌شوند. هر یک از طبقات درآمد و هزینه‌ای که به‌صورت معناداری بتواند تغییرات اجتناب مالیاتی طی پنج سال آتی را توضیح دهند، به‌عنوان یک طبقه گسترده منابع مزایای مالیاتی شناسایی و به این صورت اجتناب مالیاتی موقت و دائمی در طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی تقسیم می‌شوند.

برای افزایش قدرت مدل و با توجه به اینکه شرکت‌های دارای فعالیت و اندازه مشابه، از ترکیب طبقات درآمد و هزینه و به تبع آن، استراتژی‌های مالیاتی نسبتاً مشابهی برخوردارند [۴۸]؛ شرکت‌های نمونه با توجه به صنعت و سه اندازه کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم می‌شوند و مدل ذیل برای دسته‌ای از شرکت‌ها اجرا می‌شود که با توجه به صنعت/اندازه در یک طبقه قرار دارند. برای طبقه‌بندی شرکت‌های هر صنعت به کوچک،

نوع اجتناب مالیاتی معرف دسته‌ای از استراتژی‌های مالیاتی است؛ بنابراین، با توجه به نمودار (۱)، به شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی از نوع اثر صورت یا اثر مخرج دارند، یک طبقه گسترده منابع مزایای مالیاتی و به شرکت‌هایی که شامل هر دو نوع اجتناب مالیاتی هستند، دو منبع اجتناب مالیاتی تخصیص می‌یابد.

نقدی عملیاتی پیش از مالیات تعریف کردند. انتظارات اقلام تعهدی از مدل اصلاح‌شده جونز محاسبه شده [۲۴] و «اقلام تعهدی غیرمنتظره مثبت» همان اقلام تعهدی اختیاری مثبت در این مدل است. نمودار ۱ ترکیب این متغیرها را برای تعیین نوع اجتناب مالیاتی با توجه به مطالعه گونتر و همکاران [۳۹] نشان می‌دهد. چنانچه گفته شد هر



نمودار ۱. اثر صورت و اثر مخرج

برای شرکت‌هایی که احتمال متنوع‌سازی بالاتری دارند، یک و برای سایر شرکت‌ها عدد صفر اختیار می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص اول متنوع‌سازی برنامه‌ریزی مالیاتی به صورت ذیل تعریف می‌شود:

Diverse: یک متغیر که بیان‌کننده تعداد طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی شرکت در سال t است.
Dummy_Diverse: یک متغیر مجازی که وقتی متغیر *Diverse* سطح بالای متنوع‌سازی را نشان می‌دهد، برابر با یک و صفر برای سایر موارد است.

بنابراین، کل مالیات اجتناب‌شده برحسب منابع مزایای مالیاتی شامل منابع دائمی و موقت تقسیم می‌شود؛ بنابراین، هر شرکت ممکن است با استفاده از هر یک از این منابع مختلف در هر سال مشخص از مالیات اجتناب کرده باشد؛ بنابراین، شاخص متنوع‌سازی اول ما عبارت است از متغیری که تعداد منابع استفاده شده را نشان می‌دهد. همچنین، این شاخص یک بار به صورت صفر و یک تعریف می‌شود و از میانه تعداد طبقات اجتناب مالیاتی به عنوان آستانه تعیین شرکت‌های دارای متنوع‌سازی بالا و پایین استفاده می‌شود؛ بنابراین، این متغیر

تعریف متغیرهای مدل (۲)

TaxAvoid: مجموع مالیات‌های نقدی

پرداخت شده تقسیم بر مجموع سود پیش از مالیات

Size: لگاریتم طبیعی خالص دارایی‌های شرکت

i در سال *t*

LEV: نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش

دفتری دارایی‌های شرکت *i* در سال *t*

CASH: نسبت مجموع وجوه نقد به علاوه

سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت تقسیم بر ارزش دفتری

دارایی‌های شرکت *i* در سال *t*

MTB: نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت

ROA: نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به

ارزش دفتری دارایی‌های شرکت *i* در سال *t*

PPE: نسبت اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به

ارزش دفتری کل دارایی‌ها

LOSS: یک متغیر مجازی است که اگر شرکت

زیان گزارش کرده باشد، عدد یک و در غیر این

صورت، برابر صفر است.

IB: برابر با نسبت تعداد اعضای غیرموظف

هیئت‌مدیره *i* در سال *t* به جمع کل اعضای

هیئت‌مدیره

CFO: نسبت خالص وجوه نقد عملیاتی به

ارزش دفتری کل دارایی‌ها

AGE: لگاریتم طبیعی عمر شرکت از تاریخ

تأسیس

CC: نسبت فروش مشتریان عمده به کل فروش

شرکت

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص دوم

متنوع‌سازی برنامه‌ریزی مالیاتی به صورت ذیل

تعریف می‌شود:

از میانه تعداد طبقات اجتناب مالیاتی به عنوان آستانه تعیین شرکت‌های دارای متنوع‌سازی بالا و پایین استفاده می‌شود.

شاخص دوم بر اساس تئوری پرتفوی تعریف می‌شود؛ اینکه متنوع‌سازی باعث کاهش واریانس پرتفوی می‌شود. با در نظر گرفتن برنامه‌ریزی مالیاتی به عنوان پرتفویی از استراتژی‌های مالیاتی می‌توان گفت افزایش تعداد استراتژی‌های مالیاتی با ثابت نگه داشتن میانگین صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار باعث کاهش واریانس پرتفوی برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود؛ بنابراین، هرچه پرتفوی برنامه‌ریزی مالیاتی متنوع‌تر شود، واریانس اجتناب مالیاتی کمتر است و متغیرهای توضیحی قادر به توضیح بخش بزرگ‌تری از تغییرات متغیر وابسته خواهند بود. در این راستا، اجتناب مالیاتی طی پنج سال آتی روی عوامل مؤثر بر آن، که در ادبیات ذکر شده برآزش می‌شوند و قدر مطلق باقیمانده این مدل به عنوان شاخص دوم متنوع‌سازی استفاده می‌شود؛ به این معنی که هرچه قدر مطلق باقیمانده مدل کمتر باشد، متغیرهای توضیحی بخش بزرگ‌تری از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و در نتیجه، استراتژی‌های متنوع‌تری استفاده شده است [۷].

به این منظور از مدل برگرفته از پژوهش هوانگ و همکاران [۴۱] استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{TaxAvoid}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{i,t} \\ & + \alpha_2 \text{LEV}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{CASH}_{i,t} \\ & + \alpha_4 \text{MTB}_{i,t} \\ & + \alpha_5 \text{ROA}_{i,t} \\ & + \alpha_6 \text{PPE}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{LOSS}_{i,t} \\ & + \alpha_8 \text{IB}_{i,t} \\ & + \alpha_9 \text{CFO}_{i,t} \\ & + \alpha_{10} \text{AGE}_{i,t} \\ & + \alpha_{11} \text{CC}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

شاخص دوم، اجتناب مالیاتی تعدیل‌شده است که به‌عنوان نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی شرکت تعریف می‌شود که از متوسط (میان) نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی پرتفوی صنعت/اندازه شرکت کسر می‌شوند. مقدار این متغیر همزمان با اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. تئوری انتظارات عقلایی بیان می‌دارد اگرچه ممکن است مدیران گاهی مقداری از صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار متوسط را از دست بدهند؛ اما به‌طور متوسط برآورد آنها صحیح خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص دوم اجتناب مالیاتی به‌صورت ذیل تعریف می‌شود:

Adjusted Tax Avoid مجموع مالیات‌های نقدی پرداخت‌شده تقسیم بر مجموع سود پیش از مالیات که از متوسط (میان) نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی پرتفوی صنعت/اندازه شرکت کسر می‌شوند. مقدار این متغیر همزمان با اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد.

متغیرهای ریسک

ریسک مالیاتی در این مطالعه، احتمال تفاوت نتایج مالیاتی از آنچه انتظار می‌رود تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، مقدار واقعی مالیات اجتناب‌شده (بعد از حسابرسی) از آنچه برنامه‌ریزی‌شده متفاوت خواهد بود. این موضوع از پراکندگی نتایج بالقوه ناشی از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی نشئت می‌گیرد. این استراتژی‌ها ممکن است به‌واسطه عدم اطمینان در خصوص مواردی چون به کار بردن قانون مالیات‌ها، شرایط واقعی یک موقعیت خاص، اینکه یک سیستم حسابداری چه مقدار می‌تواند به نتایج مالیاتی خود دست یابد و اینکه آیا اقدام مالیاتی باعث ایجاد هزینه سیاسی و حسن شهرت

Resid_Divers: قدر مطلق باقیمانده مدل رگرسیون اجتناب مالیاتی طی پنج سال آتی بر عوامل مؤثر بر آن که در ادبیات ذکر شده‌اند.

متغیرهای اجتناب مالیاتی

برای اهداف این مطالعه دو شاخص اجتناب مالیاتی با تمرکز بر سطحی از اجتناب مالیاتی تعریف می‌شود که انتظار می‌رود مدیران هنگام برنامه‌ریزی مالیاتی درگیر آن شوند. اگرچه شرکت‌ها با در نظر داشتن یک مقدار اولیه صرفه‌جویی مالیاتی برنامه‌ریزی‌شده در ذهن وارد یک استراتژی مالیاتی می‌شوند، با در نظر گرفتن احتمالات کاهش این مقدار اولیه، چندین نتیجه احتمالی وجود خواهد داشت؛ بنابراین، یک مقدار متوسط صرفه‌جویی مالیاتی مورد انتظار وجود خواهد داشت. ابتدا این اجتناب مالیاتی مورد انتظار به‌عنوان نرخ مؤثر مالیات نقدی (مالیات‌های نقدی پرداخت‌شده تقسیم بر سود پیش از مالیات) اندازه‌گیری می‌شود. برای کمک به تفسیر بهتر، این نرخ‌های مالیاتی بین صفر و یک تعدیل (*winsorize*) می‌شوند. سرانجام، نرخ‌های مالیاتی در منفی یک ضرب می‌شوند؛ به‌طوری که اجتناب مالیاتی با افزایش مقدار شاخص اجتناب مالیاتی افزایش یابد.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص اول اجتناب مالیاتی به‌صورت ذیل تعریف می‌شود:

Tax Avoid: مالیات‌های نقدی پرداخت‌شده تقسیم بر مجموع سود پیش از مالیات. برای کمک به تفسیر بهتر، این نرخ‌های مالیاتی بین صفر و یک تعدیل می‌شوند (*winsorize*). سرانجام، نرخ‌های مالیاتی در منفی یک ضرب می‌شوند؛ به‌طوری که اجتناب از مالیات با افزایش مقدار شاخص اجتناب مالیاتی افزایش یابد.

برای شرکت می‌شود، به نتیجه مورد انتظار منجر نشوند.

با توجه به اینکه در این مطالعه ریسک مالیاتی به‌عنوان پراکندگی یا واریانس نتایج مالیاتی ناشی از استراتژی‌های مالیاتی خاص تعریف می‌شود، از میان شاخص‌های ریسک مطرح در ادبیات موضوعی روی مواردی تمرکز می‌شود که منعکس‌کننده نوسان‌ها هستند. گونتر و همکاران [۳۷] نشان دادند نوسان‌های نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی با نوسان‌های سهام شرکت همبسته‌اند که این موضوع نشان‌دهنده وجود رابطه میان ریسک مالیاتی و ریسک کلی شرکت است. بر این اساس، محققان بعدی ریسک مالیاتی را انحراف استاندارد نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی سالانه تعریف کردند [۴۰-۳۳-۱۵]. همگام با این دیدگاه، در این مطالعه ریسک مالیاتی به‌عنوان پراکندگی یا واریانس نتایج مالیاتی ناشی از استراتژی‌های مالیاتی، در نظر گرفته و با استفاده از نوسان نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی ($ETRs_t$) طی ۵ سال آتی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده نوسان‌های نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی ناشی از استراتژی‌های دائم و موقت و نیز شکست یک استراتژی مالیاتی است. این شاخص هر هزینه ناپذیرفتنی طی دوره حسابرسی مالیاتی را منعکس می‌کند. به‌علاوه، شاخص نرخ مؤثر مالیاتی نقدی در بردارنده شکست یک استراتژی اجتناب مالیاتی نیز هست (نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی بالاتر)؛ بنابراین، از انحراف استاندارد نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی سالانه به‌عنوان نخستین شاخص ریسک (ریسک مالیاتی) استفاده می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص اول ریسک مالیاتی به‌صورت ذیل تعریف می‌شود:

SD_CETR : انحراف استاندارد مالیات نقدی پرداخت‌شده ($TXPD$) تقسیم بر مجموع سود پیش از مالیات (PI) از سال $t+1$ تا $t+5$. این نرخ‌های مالیاتی برای کمک به تفسیر بهتر بین صفر و یک تعدیل می‌شوند ($winsorize$).

اگرچه این شاخص به‌طور مستقیم از نتایج مالیاتی نشئت می‌گیرد، هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده استراتژی‌های مالیاتی مثل هزینه‌های حسن‌شهرت و هزینه‌های سیاسی را منعکس نمی‌کند؛ زیرا نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی شامل این هزینه‌ها نمی‌شود. به‌منظور رفع این مشکل فرض می‌شود واریانس نتایج مالیاتی (تعریف ریسک مالیاتی) به‌صورت غیرمستقیم در نوسان‌های بازده کلی شرکت (ریسک کلی شرکت) منعکس می‌شود؛ بنابراین، ریسک کلی شرکت به‌عنوان شاخص دوم ریسک مالیاتی در نظر گرفته می‌شود. در این راستا، ریسک کلی شرکت به‌عنوان نوسان‌های بازده سهام تعریف می‌شود که با استفاده از انحراف استاندارد بازده سهام ماهانه طی سال آتی محاسبه می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص دوم ریسک مالیاتی به‌صورت ذیل تعریف می‌شود:

SD_Ret : انحراف استاندارد بازده سهام ماهانه طی سال آتی ($t+1$)

باوجود شواهد دیرنگ و همکاران [۳۱] مبنی بر اینکه بعضی از شرکت‌ها قادرند نرخ‌های مؤثر مالیاتی را برای یک دوره زمانی طولانی حفظ کنند، بعضی شرکت‌ها نمی‌توانند نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین را حفظ و شکست ($spike$) در نرخ‌های مالیاتی را تجربه می‌کنند؛ به این معنی که یک صرفه‌جویی مالیاتی قبلی ممکن است برگردانده شود. بر این اساس، متغیر Tax_Spike با در نظر

متنوع‌سازی، اثر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی را کاهش می‌دهد. برای آزمون فرضیه‌های H1(a) و H1(b)، رگرسیون زیر برای شرکت‌های نمونه تخمین زده می‌شود.

$$\begin{aligned} & \text{TaxRisk}_{i,t} \\ & = \alpha_0 + \alpha_1 \text{TaxAvoid}_{i,t} \\ & + \alpha_2 \text{Diverse}_{i,t} + \alpha_3 \text{TaxAvoid}_{i,t} \\ & * \text{Diverse}_{i,t} + \alpha_4 \text{PTBI}_{i,t} \\ & + \alpha_5 \text{Vol_PTBI}_{i,t} + \alpha_6 \text{BTM}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{Leverage}_{i,t} + \alpha_8 \text{Size}_{i,t} \\ & + \alpha_9 \text{Shares}_{out_{i,t}} \\ & + \alpha_{11} \text{Vol_CashFlow}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۳)}$$

متغیرهای کنترلی

PTBI: سود قبل از مالیات (*PI*) تقسیم بر کل دارایی‌های (*TA*) دوره قبل شرکت.

Vol_PTBI: انحراف استاندارد سود قبل از مالیات (*PI*) تقسیم بر کل دارایی‌های (*AT*) دوره قبل شرکت از سال $t-2$ تا t .

BTM: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (*CEQ*) بر قیمت هر سهم (*PRCC_F*) ضربدر کل سهام عادی (*CSHO*).

Leverage: بدهی بلندمدت (*DLTT*) تقسیم بر کل دارایی‌های (*AT*) دوره قبل شرکت.

Size: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها (*AT*).
Shares_Out: لگاریتم طبیعی سهام عادی در جریان شرکت (*CSHO*).

Vol_CashFlow: انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی (*OANCF*) تقسیم بر کل دارایی‌های دوره قبل شرکت از سال $t-2$ تا t .

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای مدل اصلی پژوهش در نگاره (۱) آورده شده است. کمیت‌های آمار

گرفتن شاخص ساودرا [۵۲] تعریف می‌شود؛ به طوری که وقتی پرداخت مالیات نقدی حداقل برابر با ۶۰ درصد درآمد دفتری پیش از مالیات در هر یک از سه سال آتی باشد، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص سوم ریسک مالیاتی به صورت ذیل تعریف می‌شود:

Tax_Spike: یک متغیر که وقتی پرداخت مالیات نقدی (*TXPD*) حداقل برابر با ۶۰ درصد سود دفتری پیش از مالیات در هر یک از سه سال آتی باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

آزمون‌های تجربی

رگرسیون اصلی

در آزمون‌های اصلی رابطه بین متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و ریسک مالیاتی و اثر متنوع‌سازی روی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی بررسی می‌گردد. ریسک مالیاتی (*TaxRisk*) با استفاده از معیارهای *SD_CETR*، *SD_Ret* و *Tax_Spike* و اجتناب مالیاتی (*TaxAvoid*) با استفاده از معیارهای *Adjusted TaxAvoid* و *TaxAvoid* که در قسمت قبل معرفی شدند، اندازه‌گیری می‌شوند. در این راستا، ریسک مالیاتی روی متغیرهای اجتناب مالیاتی، متنوع‌سازی، یک متغیر متقابل بین این دو و متغیرهای کنترلی برگرفته از مدل گونتر و همکاران [۳۷] برازش می‌شود. در فرضیه H1(a)، فرض می‌شود با ثابت نگه داشتن اجتناب مالیاتی، متنوع‌سازی استراتژی‌های مالیاتی، ریسک مالیاتی را کاهش می‌دهد و در فرضیه H1(b)، فرض می‌شود

سال‌های ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۹، نبود اطلاعات برخی شرکت‌ها در این سال‌ها به حذف آنها از نمونه آماری منجر شده است. با توجه به اینکه از روش ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطعی (پنل دیتا) برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود، تعداد مشاهدات سال - شرکت براساس داده‌های ترکیبی، ۱۲۸۰ مشاهده است.

توصیفی شامل میانه، میانگین، انحراف معیار و چارک‌های ۲۵، ۵۰ و ۷۵ درصد داده‌ها است. با در نظر گرفتن معیارهای اشاره‌شده درخصوص انتخاب نمونه و تأثیر آن بر اندازه نمونه، در کل از اطلاعات ۱۶۰ شرکت بورسی در طی ۸ سال ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۴ برای برآزش مدل (۳) استفاده می‌شود. درخور ذکر است با توجه به به‌کارگیری اطلاعات شرکت‌های بورسی در محاسبات متغیرها برای

نگاره ۱. آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	۲۵ درصد	۵۰ درصد	۷۵ درصد
SDRET	۰.۱۳۹	۰.۱۲۰	۰.۰۹۹	۰.۰۷۹	۰.۱۲۰	۰.۱۷۰
TaxSpike	۰.۳۱۲	۰.۰۰۰	۰.۴۶۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
SDCeter	۰.۳۲۷	۰.۱۸۰	۰.۳۲۶	۰.۰۹۹	۰.۱۸۰	۰.۴۳۶
TaxAvoid	-۰.۱۳۴	-۰.۰۷۴	۰.۱۸۹	-۰.۲۰۰	-۰.۰۷۴	۰.۰۰۰
AdjTaxAvoid	۰.۰۰۰	-۰.۰۱۸	۰.۱۷۰	-۰.۰۹۸	-۰.۰۱۸	۰.۰۵۳
Diverse	۶.۴۲۷	۷.۰۰۰	۲.۵۶۳	۶.۰۰۰	۷.۰۰۰	۸.۰۰۰
DummyDiverse	۰.۷۷۲	۱.۰۰۰	۰.۴۲۰	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰
Resid-Diverse	۰.۴۸۶	۰.۱۲۵	۱.۴۶۰	۰.۰۵۴	۰.۱۲۵	۰.۳۰۶
PTBI	۰.۱۷۳	۰.۱۳۲	۰.۱۸۹	۰.۰۴۹	۰.۱۳۲	۰.۲۵۷
VolPTBI	۰.۰۸۶	۰.۰۶۰	۰.۰۸۵	۰.۰۳۰	۰.۰۶۰	۰.۱۱۵
BTM	۰.۶۳۷	۰.۵۲۳	۰.۵۰۶	۰.۳۲۵	۰.۵۲۳	۰.۸۲۷
Leverage	۰.۰۹۰	۰.۰۵۵	۰.۱۰۸	۰.۰۲۵	۰.۰۵۵	۰.۱۰۸
Size	۱۳.۷۹۱	۱۳.۶۰۵	۱.۴۹۳	۱۲.۸۰۱	۱۳.۶۰۵	۱۴.۵۰۴
SharesOut	۱۹.۰۳۴	۱۸.۸۲۶	۱.۵۰۶	۱۸.۰۲۲	۱۸.۸۲۶	۱۹.۷۳۲
VolCashFlow	۰.۰۹۳	۰.۰۷۳	۰.۰۷۲	۰.۰۴۳	۰.۰۷۳	۰.۱۲۰

مالیاتی استفاده می‌کنند و ۲۵ درصد از آنها بیش از ۸ منبع متنوع‌سازی دارند.

آزمون فرضیه‌ها

در ادامه نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش براساس شاخص‌های ریسک، متنوع‌سازی و اجتناب مالیاتی آمده است. بر مبنای شاخص‌های متنوع‌سازی استفاده‌شده در پژوهش، درنهایت، ۱۶ رگرسیون سنجش شدند. شایان ذکر است کلیه مدل‌های رگرسیونی براساس متغیر وابسته ریسک

براساس نتایج به‌دست‌آمده و مطابق انتظار، میانگین ریسک شرکت (*SD-RET*) کوچک‌تر از ریسک مالیاتی (*SD-Ceter*) است؛ زیرا متغیر ریسک مالیاتی مستقیماً مرتبط با نتایج مالیاتی است. براساس مقادیر متغیر اجتناب مالیاتی، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به‌طور میانگین ۱۳ درصد بوده است. درخصوص متغیرهای متنوع‌سازی، نتایج نشان می‌دهند به‌طور میانگین ۷۷ درصد از شرکت‌های نمونه از متنوع‌سازی استراتژی‌های

وابسته ریسک مالیاتی (*Tax-Spike*) از نوع رگرسیون لجستیک با متغیر وابسته دوجبهی هستند. نتایج رگرسیون‌های شاخص ریسک مالیاتی *SD-CETER* به شرح نگاره (۲) هستند.

مالیاتی (*Tax-Ceter*) و ریسک شرکت (*Tax-RET*) به روش پانل دیتا و براساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته آزمون شده‌اند و رگرسیون‌های مرتبط با متغیر

نگاره ۲. متغیر وابسته ریسک مالیاتی (*SD-CETER*)

الف: تعداد منابع متنوع‌سازی (<i>Diverse</i>)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۳۵۷	۰.۰۱۹	ADJTAXAvoid	۰.۰۳۹	۰.۰۲۹	TAXAvoid
۰.۰۸۹	-۰.۱۶۵	DIVERSE	۰.۰۶۴	-۰.۱۱۲	DIVERSE
۰.۰۴۳	-۰.۲۹۲	DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۰۴۸	-۰.۰۰۵	DIVERSE*TAXAvoid
۰.۰۱۰	-۰.۰۲۲	PTBI	۰.۰۱۴	-۰.۰۲۰	PTBI
۰.۳۷۴	-۰.۰۱۶	VOLPTBI	۰.۱۹۷	-۰.۰۲۱	VOLPTBI
۰.۵۶۱	-۰.۰۰۲	BTM	۰.۰۰۰	۰.۵۹۳	BTM
۰.۵۶۵	-۰.۰۰۷	LEVERAGE	۰.۰۰۱	۰.۶۶۴	LEVERAGE
۰.۱۲۵	۰.۰۰۸	SIZE	۰.۱۵۰	۰.۰۰۶	SIZE
۰.۰۳۴	۰.۰۸۵	SHARESOUT	۰.۰۰۲	۰.۰۰۴	SHARESOUT
۰.۱۳۵	-۰.۰۱۵	VOLCASHFLOW	۰.۳۷۷	-۰.۰۰۸	VOLCASHFLOW
۰.۱۲۱	۰.۲۹۲	C	۰.۲۸۱	۰.۱۸۱	C
۱۸۶.۲۱۴		آماره F	۱۹۰.۱۱۷		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۵۴۲		ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۵۴۰		ضریب تعیین تعدیل شده
۲.۰۵۸		دوربین-واتسون	۲.۰۵۰		دوربین-واتسون
ب: متغیر مجازی متنوع‌سازی (<i>DummyDiverse</i>)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۰۶۴	۰.۰۴۳	ADJTAXAvoid	۰.۷۰۳	-۰.۰۰۸	TAXAvoid
۰.۲۱۸	-۰.۱۰۱	DummyDIVERSE	۰.۱۰۷	-۰.۶۴۰	DummyDIVERSE
۰.۰۵۴	-۰.۰۳۹	DummyDIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۸۹۳	-۰.۰۰۳	DummyDIVERSE*TAXAvoid
۰.۰۰۴	-۰.۰۲۴	PTBI	۰.۰۱۰	-۰.۰۲۰	PTBI
۰.۱۴۳	-۰.۰۲۳	VOLPTBI	۰.۰۴۱	-۰.۰۲۵	VOLPTBI
۰.۰۰۱	-۰.۰۵۰	BTM	۰.۰۹۴	-۰.۰۰۳	BTM
۰.۰۳۳	-۰.۰۲۸	LEVERAGE	۰.۰۰۰	۰.۱۳۸	LEVERAGE
۰.۱۹۷	۰.۰۰۶	SIZE	۰.۳۱۸	۰.۰۰۴	SIZE
۰.۰۰۱	۰.۰۰۴	SHARESOUT	۰.۰۰۳	۰.۰۰۵	SHARESOUT
۰.۱۵۳	-۰.۰۱۷	VOLCASHFLOW	۰.۶۵۹	-۰.۰۰۵	VOLCASHFLOW
۰.۰۰۰	۰.۲۰۳	C	۰.۱۱۴	۰.۱۲۶	C
۲۰۵.۳۱۳		آماره F	۲۱۷.۲۳۱		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۵۳۶		ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۴۳۸		ضریب تعیین تعدیل شده
۲.۰۵۸		دوربین-واتسون	۲.۰۴۹		دوربین-واتسون

ج: باقیمانده مدل متنوع‌سازی (Resid-Diverse)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۹۰۵	۰.۰۰۱	ADJTAXAvoid	۰.۷۹۷	۰.۰۳۷	TAXAvoid
۰.۰۵۸	۰.۷۳۸	Resid-DIVERSE	۰.۰۶۰	۰.۰۵۵	Resid-DIVERSE
۰.۱۸۱	-۰.۰۱۵	Resid-DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۱۲۸	۰.۰۱۴	Resid-DIVERSE*TAXAvoid
۰.۰۰۱	-۰.۰۲۹	PTBI	۰.۰۰۱	-۰.۰۳۰	PTBI
۰.۰۳۴	-۰.۰۸۶	VOLPTBI	۰.۰۳۹	-۰.۳۶۱	VOLPTBI
۰.۰۳۹	-۰.۰۲۹	BTM	۰.۰۱۷	-۰.۳۷۱	BTM
۰.۰۳۶	-۰.۵۹۸	LEVERAGE	۰.۰۲۸	-۰.۱۹۰	LEVERAGE
۰.۰۱۳	۰.۰۱۱	SIZE	۰.۰۱۴	۰.۰۱۰	SIZE
۰.۳۵۰	۰.۰۰۲	SHARESOUT	۰.۱۲۲	۰.۰۰۳	SHARESOUT
۰.۱۲۸	-۰.۰۲۰	VOLCASHFLOW	۰.۱۳۱	-۰.۰۱۹	VOLCASHFLOW
۰.۰۰۰	۰.۱۵۲	C	۰.۰۰۰	۰.۱۵۵	C
۱۱۰.۵۶۶		آماره F	۱۱۵.۰۸۲		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۴۷۷		ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۴۳۵		ضریب تعیین تعدیل شده
۲.۰۰۹		دوربین-واتسون	۲.۰۰۶		دوربین-واتسون

عبارتی، تنوع منابع اجتناب مالیاتی زمانی که اجتناب مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد، ریسک مالیاتی را بیشتر کاهش می‌دهد؛ بنابراین، نتایج بخش الف نگاره (۲) از فرضیه‌های پژوهش پشتیبانی می‌کنند. بخش ب نگاره (۲) به متغیر مجازی متنوع‌سازی اختصاص دارد. براساس نتایج، تنها متغیر اجتناب تعدیل شده دارای رابطه مستقیم و معنادار در سطح اطمینان ۹۰ درصد با ریسک مالیاتی است و تعامل متغیرهای اجتناب تعدیل شده و متغیر مجازی متنوع‌سازی نیز در سطح اطمینان ۹۰ درصد دارای ارتباط معنی‌دار معکوس با ریسک مالیاتی است.

بخش ج نگاره (۲) به برازش متغیر متنوع‌سازی براساس قدرمطلق باقیمانده رگرسیون اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی اختصاص دارد. نتایج حاصل نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار مثبت بین متنوع‌سازی و ریسک مالیاتی بر مبنای شاخص مذکور در سطح اطمینان ۹۰ درصد است که با مفروضات پژوهش مطابقت ندارد. همچنین، تأثیر تعدیلی متغیر متنوع‌سازی بر رابطه اجتناب مالیاتی و

همان‌طور که مشاهده می‌شود نگاره (۳) در قالب ۳ بخش الف، ب و ج به هریک از شاخص‌های متنوع‌سازی اختصاص دارد.

در بخش الف نگاره (۲)، نخستین شاخص متنوع‌سازی که متغیری گسسته بوده و نشان‌دهنده تعداد منابع اجتناب مالیاتی است، به‌عنوان متغیر مستقل با ریسک مالیاتی شرکت برازش شده است. نتایج حاکی از آن است که افزایش اجتناب مالیاتی با افزایش ریسک مالیاتی شرکت همراه است، اگرچه براساس متغیر اجتناب مالیاتی تعدیل شده، این ارتباط معنادار نیست. مطابق انتظار، متغیر متنوع‌سازی دارای علامت منفی و رابطه معکوس با ریسک مالیاتی است. به عبارت دیگر، افزایش تعداد منابع اجتناب مالیاتی به کاهش ریسک مالیاتی منجر می‌شود؛ با این حال، به لحاظ معناداری، ضریب متغیر متنوع‌سازی در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است. همچنین، تعامل متغیرهای اجتناب مالیاتی و تعداد منابع اجتناب مالیاتی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار و منفی است و به

است؛ بنابراین، فرضیه‌های پژوهش براساس متغیر وابسته ریسک مالیاتی و تعداد منابع اجتناب مالیاتی پذیرفته می‌شوند؛ اما سایر شاخص‌ها نتوانستند پشتیبانی قوی از فرضیات پژوهش ارائه دهند. نتایج رگرسیون‌های شاخص ریسک شرکت *SD-RET* به شرح نگاره (۳) هستند.

ریسک مالیاتی نیز تأیید نمی‌شود و بنابراین، نتایج بخش ج از فرضیه‌های پژوهش پشتیبانی نمی‌کنند. به‌طور کلی، معناداری آماره F در تمامی رگرسیون‌ها تأیید شده و نتایج به‌دست‌آمده از آماره دورین - واتسون حاکی از نبود خودهمبستگی در اجزای اخلاص مدل است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز حاکی از قدرت توضیح‌دهندگی مناسب مدل‌ها

نگاره ۳. متغیر وابسته ریسک شرکت (*SD-RET*)

الف: تعداد منابع متنوع‌سازی (<i>Diverse</i>)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۰۰۰	-۰.۰۷۴	ADJTAXAvoid	۰.۰۱۶	۰.۰۹۳	TAXAvoid
۰.۰۴۳	۰.۰۰۸	DIVERSE	۰.۱۰۱	۰.۰۰۶	DIVERSE
۰.۰۰۰	۰.۰۰۹	DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۱۶۱	-۰.۰۰۶	DIVERSE*TAXAvoid
۰.۸۷۴	-۰.۰۰۵	PTBI	۰.۷۵۵	-۰.۰۰۹	PTBI
۰.۱۷۵	۰.۰۸۷	VOLPTBI	۰.۱۹۲	۰.۰۸۵	VOLPTBI
۰.۰۳۵	۰.۰۳۰	BTM	۰.۰۳۰	۰.۰۳۲	BTM
۰.۰۰۱	۰.۰۸۵	LEVERAGE	۰.۰۰۱	۰.۰۸۴	LEVERAGE
۰.۱۷۵	۰.۰۲۰	SIZE	۰.۱۵۶	۰.۰۲۱	SIZE
۰.۰۰۱	-۰.۰۲۴	SHARESOUT	۰.۰۰۱	-۰.۰۲۴	SHARESOUT
۰.۷۴۲	-۰.۰۰۷	VOLCASHFLOW	۰.۸۶۰	-۰.۰۰۴	VOLCASHFLOW
۰.۱۱۷	۰.۲۳۴	C	۰.۰۸۵	۰.۲۴۵	C
۲.۸۱۰		آماره F	۲.۹۵۰		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۱۹۳		ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰.۲۰۵		ضریب تعیین تعدیل‌شده
۲.۲۵۶		دورین-واتسون	۲.۲۵۶		دورین-واتسون
ب: متغیر مجازی متنوع‌سازی (<i>DummyDiverse</i>)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۰۰۶	-۰.۰۵۸	ADJTAXAvoid	۰.۰۰۷	۰.۰۹۵	TAXAvoid
۰.۱۰۵	۰.۰۱۳	DummyDIVERSE	۰.۷۰۹	۰.۰۰۳	DummyDIVERSE
۰.۰۱۹	۰.۰۴۳	DummyDIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۱۹۸	-۰.۰۳۱	DummyDIVERSE*TAXAvoid
۰.۴۹۵	-۰.۰۱۹	PTBI	۰.۴۲۸	-۰.۰۲۱	PTBI
۰.۱۲۳	۰.۰۹۹	VOLPTBI	۰.۱۶۴	۰.۰۹۴	VOLPTBI
۰.۰۳۳	۰.۰۳۲	BTM	۰.۰۲۹	۰.۰۳۳	BTM
۰.۰۰۶	۰.۰۷۹	LEVERAGE	۰.۰۰۴	۰.۰۸۰	LEVERAGE
۰.۲۲۲	۰.۰۱۸	SIZE	۰.۱۸۲	۰.۰۲۰	SIZE
۰.۰۰۱	-۰.۰۲۴	SHARESOUT	۰.۰۰۱	-۰.۰۲۴	SHARESOUT
۰.۳۶۸	-۰.۰۱۶	VOLCASHFLOW	۰.۶۳۹	-۰.۰۰۹	VOLCASHFLOW
۰.۰۴۲	۰.۲۹۷	C	۰.۰۳۴	۰.۲۹۷	C
۲.۲۰۱		آماره F	۲.۷۵۵		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری

۰.۱۶۶		ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۱۸۹		ضریب تعیین تعدیل شده
۲.۲۰۳		دوربین-واتسون	۲.۲۱۷		دوربین-واتسون
ج: باقیمانده مدل متنوع‌سازی (Resid-Diverse)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۱۰۲	-۰.۰۳۰	ADJTAXAvoid	۰.۰۱۰	۰.۱۰۵	TAXAvoid
۰.۰۰۶	۰.۰۱۰	Resid-DIVERSE	۰.۰۰۶	۰.۰۱۱	Resid-DIVERSE
۰.۲۷۶	-۰.۰۰۸	Resid-DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۴۰۱	-۰.۰۰۳	Resid-DIVERSE*TAXAvoid
۰.۵۲۶	-۰.۰۱۷	PTBI	۰.۵۸۱	-۰.۰۱۴	PTBI
۰.۱۰۶	۰.۱۰۱	VOLPTBI	۰.۱۶۶	۰.۰۹۰	VOLPTBI
۰.۰۲۹	۰.۰۳۴	BTM	۰.۰۲۲	۰.۰۳۳	BTM
۰.۰۰۴	۰.۰۸۸	LEVERAGE	۰.۰۰۲	۰.۰۸۵	LEVERAGE
۰.۲۲۸	۰.۰۱۸	SIZE	۰.۱۷۲	۰.۰۲۰	SIZE
۰.۰۰۳	-۰.۰۲۴	SHARESOUT	۰.۰۰۱	-۰.۰۲۴	SHARESOUT
۰.۳۱۸	-۰.۰۱۸	VOLCASHFLOW	۰.۵۶۳	-۰.۰۱۲	VOLCASHFLOW
۰.۰۳۳	۰.۲۹۹	C	۰.۰۳۱	۰.۲۹۰	C
۲.۵۴۲		آماره F	۲.۹۵۷		آماره F
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۱۷۰		ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۲۰۶		ضریب تعیین تعدیل شده
۲.۱۹۸		دوربین-واتسون	۲.۲۷۵		دوربین-واتسون

است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ضریب متغیرهای متنوع‌سازی برخلاف انتظار مثبت و معنادار است که نشان از افزایش ریسک شرکت با افزایش تعداد منابع اجتناب مالیاتی دارد و فرضیه اول پژوهش را پشتیبانی نمی‌کند. درخصوص متغیر تعاملی متنوع‌سازی و اجتناب مالیاتی نیز شواهدی مبنی بر پذیرش فرضیه دوم یافت نشد.

نتایج رگرسیون‌های شاخص ریسک مالیاتی *Tax-Spike* به شرح نگاره (۴) هستند.

نگاره (۳) به بررسی رابطه هریک از شاخص‌های متنوع‌سازی با ریسک شرکت (ریسک شرکت برابر است با انحراف معیار بازده‌های ماهانه سهام در سال آینده) اختصاص دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به نتایج به دست آمده، بررسی احتمال آماره F برای مدل‌ها و نیز بررسی خودهمبستگی، حاکی از وضعیت مناسب مدل‌ها بوده و ضریب تعیین با وجود کاهش نسبت به نگاره (۲)، همچنان حاکی از قدرت توضیح‌دهندگی مدل‌ها در حدود ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته

نگاره ۴. متغیر وابسته ریسک مالیات (*Tax-Spike*)

الف: تعداد منابع متنوع‌سازی (<i>Diverse</i>)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۰۰۰	۳.۴۸۸	ADJTAXAvoid	۰.۸۳۴	-۰.۰۱۵	TAXAvoid
۰.۶۷۴	-۰.۰۴۴	DIVERSE	۰.۳۴۷	-۰.۲۷۹	DIVERSE
۰.۰۴۳	-۰.۲۳۳	DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۰۴۵	۰.۱۹۷	DIVERSE*TAXAvoid
۰.۰۰۰	-۲.۷۷۴	PTBI	۰.۰۰۰	-۲.۶۹۴	PTBI
۰.۲۹۰	۰.۵۳۳	VOLPTBI	۰.۲۸۹	۰.۵۴۴	VOLPTBI

۰.۰۳۵	-۰.۱۷۶	BTM	۰.۰۳۶	-۰.۱۷۷	BTM
۰.۰۵۲	۰.۷۴۷	LEVERAGE	۰.۰۵۵	۰.۷۴۲	LEVERAGE
۰.۲۹۰	-۰.۰۷۱	SIZE	۰.۳۰۰	-۰.۰۷۱	SIZE
۰.۱۱۶	۰.۱۰۵	SHARESOUT	۰.۱۴۶	۰.۰۹۸	SHARESOUT
۰.۰۹۹	۰.۹۴۲	VOLCASHFLOW	۰.۱۲۶	۰.۸۸۴	VOLCASHFLOW
۰.۰۳۰	-۱.۲۴۹	C	۰.۰۰۳	-۱.۷۳۲	C
۲۱۳.۲۱۰		آماره LR	۲۴۳.۵۶۰		آماره LR
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۳۴۱		ضریب تعیین مک فادن	۰.۳۶۰		ضریب تعیین مک فادن
ب: باقیمانده مدل متنوع‌سازی (Resid-Diverse)					
معناداری	ضریب		معناداری	ضریب	
۰.۰۰۰	۱.۸۵۰	ADJTAXAvoid	۰.۳۹۰	-۰.۳۲۹	TAXAvoid
۰.۰۴۳	-۰.۰۶۹	Resid-DIVERSE	۰.۰۰۰	-۰.۰۲۵	Resid-DIVERSE
۰.۳۵۶	-۰.۰۸۴	Resid-DIVERSE*ADJTAXAvoid	۰.۰۹۴	۰.۱۲۹	Resid-DIVERSE*TAXAvoid
۰.۰۰۰	-۲.۷۲۴	PTBI	۰.۰۰۰	-۲.۷۴۰	PTBI
۰.۳۴۵	۰.۴۷۷	VOLPTBI	۰.۳۴۴	۰.۴۸۵	VOLPTBI
۰.۰۴۸	-۰.۱۶۴	BTM	۰.۰۵۷	-۰.۱۵۸	BTM
۰.۰۵۸	۰.۷۲۸	LEVERAGE	۰.۰۶۲	۰.۷۱۹	LEVERAGE
۰.۴۴۱	-۰.۰۵۲	SIZE	۰.۳۹۳	-۰.۰۵۸	SIZE
۰.۱۷۶	۰.۰۹۱	SHARESOUT	۰.۱۵۹	۰.۰۹۵	SHARESOUT
۰.۱۲۱	۰.۸۸۶	VOLCASHFLOW	۰.۱۳۰	۰.۸۷۴	VOLCASHFLOW
۰.۰۳۲	-۱.۲۲۴	C	۰.۰۰۹	-۱.۵۲۶	C
۲۱۳.۸۰۰		آماره LR	۲۴۳.۵۲۱		آماره LR
۰.۰۰۰		معناداری	۰.۰۰۰		معناداری
۰.۳۴۱		ضریب تعیین مک فادن	۰.۳۶۱		ضریب تعیین مک فادن

بنابراین، در این پژوهش تأثیر تعداد استراتژی‌های مالیاتی یک شرکت بر رابطه بین شاخص‌های اجتناب مالیاتی و شاخص‌های ریسک بررسی شد. اینکه مدیران کدام استراتژی‌های مالیاتی خاص را در برنامه‌ریزی مالیاتی خود به کار می‌گیرند، به لحاظ تجربی مشاهده‌پذیر نیست. با وجود این، نتایج استراتژی‌های مالیاتی در قالب میزان مالیات اجتناب‌شده مشاهده می‌شوند. به علاوه، این مزایای مالیاتی از منابع متفاوتی حاصل می‌شوند. هرچه یک شرکت از منابع مزایای مالیاتی بیشتری استفاده کرده باشد، احتمالاً آن شرکت استراتژی‌های مالیاتی متنوع‌تری دارد. بر این اساس، دو شاخص متنوع‌سازی تعریف شد که شاخص اول روی طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی بنا نهاده شده و از این طریق شرکت‌های نمونه به شرکت‌های با سطوح متنوع‌سازی بالا و پایین تقسیم شدند. شاخص دوم با توجه به تئوری پرتفوی تعریف شد. مطابق تئوری پرتفوی، متنوع‌سازی باعث کاهش واریانس پرتفوی می‌شود؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی طی پنج سال آتی روی عوامل مؤثر بر آن، که در ادبیات موضوعی ذکر شده برآزش شد و از قدر مطلق باقیمانده این مدل به‌عنوان شاخص دوم متنوع‌سازی استفاده شد. در آزمون‌های اصلی، رابطه بین متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و ریسک مالیاتی و اثر متنوع‌سازی روی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی بررسی شد. نتایج بیان‌کننده آن است که با استفاده از معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر انحراف استاندارد نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی و معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر شکست نرخ مالیات، افزایش منابع اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد به کاهش ریسک

نگاره (۴) به بررسی رابطه معیارهای مختلف متنوع‌سازی با متغیر وابسته ریسک مالیاتی *Tax-Spike* اختصاص دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود معناداری آماره LR تأیید شده است و مقادیر ضریب تعیین پذیرفتنی‌اند.

ضریب متغیر اجتناب مالیاتی تعدیل‌شده حاکی از وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین این متغیر و ریسک مالیاتی است و به عبارتی افزایش اجتناب مالیاتی با افزایش احتمال وقوع ریسک مالیاتی همراه است. همچنین، رابطه منفی بین ریسک مالیاتی و متنوع‌سازی براساس معیار متنوع‌سازی *Resid-DIVERSE* و در سطح اطمینان ۹۵ درصد مشاهده شد که فرضیه اول پژوهش را پشتیبانی می‌کند؛ اما شواهد متفاوتی درخصوص تأثیر متنوع‌سازی بر رابطه اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی به دست آمده‌اند و این فرض تنها به کمک متغیرهای تعداد منابع اجتناب مالیاتی و اجتناب مالیاتی تعدیل‌شده تأیید شده است؛ بنابراین، براساس متغیر ریسک مالیاتی *Tax-Spike*، شواهد ضعیفی برای پذیرش فرضیه دوم وجود دارد.

نتیجه‌گیری

با وجود مبانی نظری قوی درخصوص رابطه میان اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی، پژوهش‌های تجربی قبلی عموماً در یافتن رابطه بین معیارهای اجتناب مالیاتی و معیارهای ریسک مالیاتی ناتوان بوده و نتایج متفاوت و گاه متناقضی به دست آورده‌اند. این مطالعه پیشنهاد می‌دهد یک دلیل احتمالی برای این یافته‌های متناقض می‌تواند در نظر نگرفتن نقش متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی باشد که قادر است ریسک مالیاتی را برای یک سطح مشخص از اجتناب مالیاتی کاهش دهد؛

سازگارند. این پژوهش با مطرح کردن نقش متغیر متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در ادبیات رابطه ریسک و اجتناب مالیاتی مشارکت می‌کند. با توجه به نقش متغیرهای شناختی و رفتاری در تصمیمات مالیاتی مدیران پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با بررسی نقش این متغیرها در انتخاب نوع و تعداد استراتژی‌های مالیاتی، به روشن‌تر شدن چگونگی انتخاب استراتژی‌های مالیاتی کمک کنند. همچنین، با توجه به وجود دامنه وسیعی از استراتژی‌های مالیاتی که روی پیوستاری از استراتژی‌های پرریسک تا کم‌ریسک قرار می‌گیرند، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی روی شناسایی و طبقه‌بندی استراتژی‌های مالیاتی و چگونگی قرارگرفتن آنها روی این پیوستار مطالعه کنند. یک محدودیت این پژوهش آن است که باوجود تعداد بسیار زیاد استراتژی‌های مالیاتی نمی‌توان به مشاهده تجربی هر یک از این استراتژی‌ها پرداخت؛ بنابراین، شاخص‌های متنوع‌سازی این پژوهش براساس طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی بنا نهاده شدند که هر یک نماینده گروهی از استراتژی‌های مالیاتی‌اند. باوجود اینکه این شاخص‌های متنوع‌سازی تا حد زیادی می‌توانند این سازه را منعکس کنند، باید به این مسئله توجه داشت که شرکت‌ها اغلب باوجود داشتن استراتژی‌های مختلف مالیاتی، بر یکی از منابع اجتناب مالیاتی تمرکز بیشتری دارند. درنهایت، حتی اگر مشاهده تمامی موقعیت‌های مالیاتی موجود در هر یک از این طبقات گسترده منابع مزایای مالیاتی امکان‌پذیر بود، به احتمال زیاد آنها دارای همبستگی بالا بودند و امکان نداشت متنوع‌سازی اثر آنچنان بزرگی روی ریسک مالیاتی

مالیاتی منجر می‌شود. همچنین، به‌جز برای معیار متنوع‌سازی *Diverse* بین ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد که این نتایج با پژوهش‌های دیرنگ و همکاران [۲۷]، گونتر و همکاران [۳۷]، گونتر و همکاران [۳۸] و هاجنز و همکاران [۴۳] سازگارند. همچنین، با افزایش اجتناب مالیاتی و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تنوع منابع اجتناب مالیاتی باعث کاهش بیشتر ریسک مالیاتی می‌شود. با استفاده از معیار ریسک کلی شرکت نتایج نشان می‌دهند ضریب متغیرهای متنوع‌سازی مثبت و معنادار است که بیان‌کننده افزایش ریسک شرکت با افزایش منابع اجتناب از مالیات است. همچنین، برای معیار اجتناب مالیاتی *Tax Avoid*، بین ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت که این نتایج با پژوهش‌های آرلینگاس [۱۳]، گودمن [۳۵] و اعتمادی و ساری [۲] سازگارند. در مجموع، این نتایج نشان می‌دهند باوجود تأثیر منفی متنوع‌سازی استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی بر ریسک مالیاتی در بیشتر معیارهای ریسک مالیاتی و متنوع‌سازی، این متغیر باعث افزایش ریسک کلی شرکت می‌شود. این موضوع می‌تواند ناشی از افزایش فرصت‌های مدیریت سود و شکست گزارشگری مالی به دلیل تأثیر تعدد استراتژی‌های مالیاتی بر پیچیدگی کارکردهای مالیاتی و گزارشگری مالی و افزایش ریسک سوءاستفاده مدیریت و هزینه‌های حسن شهرت و سیاسی باشد که در متغیرهای ریسک مالیاتی منعکس نمی‌شوند؛ اما متغیر ریسک کلی شرکت آنها را در بر می‌گیرد. این نتایج با رویکرد پژوهش‌های دسایبی و دارماپالا [۲۵]، فرنک و همکاران [۳۴]، ویلسون [۵۳] و لیسوسکی [۴۴]

- مالیاتی. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۴۵)، صص ۳۳-۴۴.
۷. سوری، علی. (۱۳۹۲). اقتصادسنجی سوری جلد ۱ همراه با کاربرد Eviews8 & stata12. تهران: انتشارات فرهنگ شناسی.
۸. طایفه، سیامک، دستگیر، محسن، رضایی، فرزین و سعیدعلی احمدی. (۱۳۹۸). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی. حسابداری ارزشی و رفتاری. ۷(۴)، صص ۳۰۹-۳۴۱.
۹. عرب صالحی، مهدی و مجید هاشمی. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۱)، صص ۸۵-۱۰۴.
۱۰. عزیز، صدیقه و حسین جوکار. (۱۴۰۰). تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نقش تعدیلی اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با استفاده از معادلات ساختاری. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱(۴)، صص ۸۱-۱۰۰.
۱۱. مشایخی، بیتا و سیدجلال سیدی. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری، ۲۰(۶)، صص ۸۳-۱۰۴.

12. Abernathy, J. L., Finley, A. R., Rapley, E. T., & Stekelberg, J. (2021). External auditor responses to tax risk. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 36(3), 489-516.
13. Allingham M. G., & Sandmo, A. (1972). Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of Public Economics*, 1(3-4), 323-338.
14. Arlinghaus, B. P. (1998). Goal setting and performance measures – by tax professionals in fortune 500 companies. *The Tax Executive*, 50(6), 434-442.
15. Austin, C. R., & Wilson, R. (2017). An examination of reputational costs and tax avoidance: Evidence from firms with valuable consumer brands. *The Journal of*

داشته باشد. این همبستگی احتمالی با استفاده از شاخص‌های متنوع‌سازی که منعکس‌کننده طبقات گسترده منابع اجتناب مالیاتی هستند با احتمال کمتری مشکل‌ساز می‌شود.

فهرست منابع:

۱. اسدیان اوغانی، اصغر، آبریز مختاری، یحیی و حسین رحمانی نوجه‌ده. (۱۳۹۹). تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳)، صص ۱۲۷-۱۴۲.
۲. اعتمادی، حسین و محمدعلی ساری. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹(۳۳)، صص ۳۵۳-۳۷۵.
۳. پاکیزه، کامران، حیدری، محمدرضا و مهدی بشیری جویباری. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ریسک مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۶(۲۲)، صص ۵۷-۸۰.
۴. تحریری، آرش و مهین خوئینی. (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. دانش حسابداری مالی، ۴(۱)، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۵. خواجه‌سوی، شکراله و امیر سروستانی. (۱۳۹۶). اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۴)، صص ۱۵-۲۸.
۶. دارابی، رویا، ورکش، زهرا و جواد درخشان. (۱۴۰۰). بررسی نقش ریسک مالیاتی و اجتناب

- powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
27. Desai, M. A., Dyck, A., & Zingales, L. (2007). Theft and taxes. *Journal of Financial Economics*, 84(3), 591-623.
 28. Drake, K. D., Lusch, S. J., & Stekelberg, J. (2019). Does tax risk affect investor valuation of tax avoidance?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 34(1), 151-176.
 29. Dyreng, S. D., & Lindsey, B. P. (2009). Using financial accounting data to examine the effect of foreign operations located in tax havens and other countries on US multinational firms' tax rates. *Journal of Accounting Research*, 47(5), 1283-1316.
 30. Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2019). When does tax avoidance result in tax uncertainty?. *The Accounting Review*, 94(2), 179-203.
 31. Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
 32. Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L., & Thornock, J. R. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 441-463.
 33. Dyreng, S. D., Hoopes, J. L., & Wilde, J. H. (2016). Public pressure and corporate tax behavior. *Journal of Accounting Research*, 54(1), 147-186.
 34. Frank, M. M., Lynch, L. J., & Rego, S. O. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
 35. Goodman, G. R. (2004). Internal controls for the tax department. *Tax Notes*, 103, 579-588.
 36. Graham, J., Hanlon, M., Shevlin, T., & Shroff, N. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *The Accounting Review*, 89(3), 991-1023.
 37. Guenther, D. A., Krull, L. K., & Williams, B. M. (2021). Identifying different types of tax avoidance: Implications for empirical research. *The Journal of the American Taxation Association*, 43(1), 27-50.
 16. Bardertscher, B. A., Katz, S. P., & Rego, S. O. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2-3), 228-250.
 17. Bauer, A. M., & Klassen, K. J. (2014). *Estimating downside tax risk: Exploration of unfavorable tax settlements*. Working Paper.
 18. Becker, G. S. (1968). Crime and punishment: An economic approach. *Journal of Political Economy*, 76(2), 169-217.
 19. Blouin, J. L., Krull, L. K., & Robinson, L. A. (2012). Is US multinational dividend repatriation policy influenced by reporting incentives?. *The Accounting Review*, 87(5), 1463-1491.
 20. Brown, J. L. (2011). The spread of aggressive corporate tax reporting: A detailed examination of corporate-owned life insurance shelter. *The Accounting Review*, 86(1), 23-57.
 21. Campbell, J. L., Cecchini, M., Cianci, A. M., Ehinger, A. C., & Werner, E. M. (2017). *Do mandatory risk factor disclosures predict the level of future cash flows and stock returns? Evidence from tax risk factor disclosures*. Working Paper.
 22. Chen, K. P., & Chu, C. C. (2005). Internal control versus external manipulation: A model of corporate income tax evasion. *RAND Journal of Economics*, 36(1), 151-164.
 23. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?. *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
 24. De Simone, L. (2016). Does a common set of accounting standards affect tax-motivated income shifting for multinational firms?. *Journal of Accounting & Economics*, 61(1), 145-165.
 25. Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70, 193-225.
 26. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-

47. Markowitz, H. (1959). *Portfolio selection: Efficient diversification of investments*. New York: John Wiley & Sons.
48. McGill, G. A., & Outslay, E. (2004). Lost in translation: Detecting tax shelter activity in financial statements. *National Tax Journal*, 57(3), 739-756.
49. Mills, L. F., Nutter, S. E., & Schwab, C. M. (2013). The effect of political sensitivity and bargaining power on taxes: Evidence from federal contractors. *The Accounting Review*, 88(3), 977-1005.
50. Neuman, S. S., Omer, T. C., & Schmidt, A. P. (2016). *Assessing tax risk: Practitioner perspectives*. Working Paper.
51. Rego, S. O., & Wilson, R. J. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
52. Saavedra, D. (2019). Is tax volatility priced by lenders in the syndicated loan market?. *European Accounting Review*, 28(4), 767-789.
53. Wilde, J. H., & Wilson, R. J. (2018). Perspectives on corporate tax planning: Observations from the past decade. *The Journal of the American Taxation Association*, 40(2), 63-81.
54. Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.
55. Zimmerman, J. L. (1983). Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics*, 5(1), 119-149.
38. Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2017). Is tax avoidance related to firm risk?. *The Accounting Review*, 92(1), 115-136.
39. Guenther, D. A., Wilson, R. J., & Wu, K. (2019). Tax uncertainty and incremental tax avoidance. *The Accounting Review*, 94(2), 229-247.
40. Hanlon, M., Maydew, E. L., & Saavedra, D. (2017). The taxman cometh: Does tax uncertainty affect corporate cash holdings?. *Review of Accounting Studies*, 22(3), 1198-1228.
41. Huang, H., Lobo, G., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.
42. Hutchens, M., & Rego, S. O. (2015). *Does greater tax risk lead to increased firm risk?*. Available at SSRN 2186564.
43. Hutchens, M., Rego, S. O., & Williams, B. (2020). *Tax avoidance, uncertainty, and firm risk*. Uncertainty and Firm Risk.
44. Lisowsky, P. (2010). Seeking shelter: Empirically modeling tax shelters using financial statement information. *The Accounting Review*, 85(5), 1693-1720.
45. Lisowsky, P., Robinson, L., & Schmidt, A. (2013). Do publicly disclosed tax reserves tell us about privately disclosed tax shelter activity?. *Journal of Accounting Research*, 51(3), 583-629.
46. Markowitz, H. (1952). Portfolio selection. *The Journal of Finance*, 7(1), 77-91.